

فصل نامه پژوهش های تاریخی (علمی - پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و دوم، دوره جدید، سال هشتم
شماره سوم (پیاپی ۳۱)، پائیز ۱۳۹۵، صص ۲۵-۴۰
تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۹/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۱۴

بررسی جایگاه اقتصادی عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی در دوره صفوی

محمدحسن رازنهان* - رضا دهقانی** - هادی بیاتی***

چکیده

در این پژوهش تلاش شده است جایگاه اقتصادی عتبات عالیات میان دو دولت صفویه و عثمانی بررسی شده و بازتاب آن در روابط سیاسی دو کشور ایران و عثمانی ارزیابی شود. در این مقوله درباره سه رکن اساسی بحث شده است: ۱. زیارت عتبات (زوار)؛ ۲. موقوفات؛ ۳. دفن اموات. یافته های پژوهش حاکی از آن است که در این دوران تسلط بر منطقه عراق، به ویژه عتبات عالیات و دستیابی به منافع اقتصادی آن، از جمله مباحث مهم برای دو دولت صفویه و عثمانی بود. چنان که ورود زائران ایرانی به اماکن مقدس عراق با رونق بازار، ایجاد کسب و کار، گسترش تجارت، رونق کاروانسراها و راهداری ها و رفع بیکاری همراه بود. در این وضعیت، ورود انبوه زوار نوعی «صادرات نامرئی» برای عراق بود که می توانست در رفع مشکلات اقتصادی مردم عراق کمک کند. در این میان، موقوفات و نذورات سلاطین صفوی و عثمانی و زوار شیعه در عتبات عالیات، بر اهمیت اقتصادی این منطقه می افزود و رونق اقتصادی منطقه را موجب می شد. درآمد اقتصادی دیگری که این منطقه برای دو دولت عثمانی و صفوی داشت، دریافت وجوه متعدد برای کفن و دفن اموات و قیمت هنگفت زمین در آنجا بود.

واژه های کلیدی: عتبات عالیات، صفویان، عثمانیان، زوار، شاه عباس اول.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی تهران. همکار علمی قطب مطالعات فرهنگ و تمدن شیعه در دوره صفویه،

Hasan_Raznahan@Yahoo.Com

** دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز R.dehqani@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول) H_bayati52@yahoo.com

Copyright © 2016, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they cannot change it in any way or use it commercially.

مقدمه

مهمی صورت نگرفته است. برخی از مؤلفان در این زمینه کتب و مقالاتی فراهم آورده‌اند؛ ولی این آثار جنبه تک بعدی و مبسوط ندارند که لازم است به تعدادی از آن‌ها اشاره کرد. نخستین اثری که در ارتباط با موضوع مقاله اهمیت دارد، کتاب «اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی» نوشته رودلف متی است. در این کتاب، نویسنده اطلاعات ذی‌قیمتی درباره سیاست پولی دو دولت صفوی و عثمانی ارائه می‌کند. اثر دیگر «تاریخ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی عراق ۱۹۵۰-۱۹۰۰» نوشته استیون همزلی لانگریک است که نویسنده سیاست‌های اقتصادی پادشاهان عثمانی در عتبات عالیات را تشریح کرده و حضور زوار ایرانی در عتبات را موجب رونق اقتصادی عراق دانسته است.

علاوه بر این کتب، مقالاتی نیز در ارتباط با موضوع پژوهش نوشته شده است؛ از آن جمله می‌توان به «نکش کشی به عتبات؛ رقابت ایران و عثمانی در عراق سده ۱۹ میلادی» نوشته آتش صبری و «موقوفات ایرانیان در عراق» اثر محمدرضا انصاری قمی و «نجف در عصر شاه عباس اول» نوشته مریم کاظمی اشاره کرد. بر این اساس، این پژوهش در نوع خود برای نخستین بار به جایگاه اقتصادی عتبات عالیات می‌پردازد که این جایگاه نقش مؤثری در روابط حکومت صفوی با حکومت عثمانی داشت. از این رو، مقاله حاضر ضمن بررسی تحولات سیاسی عتبات عالیات، این سؤال اصلی را دنبال می‌کند:

۱. عتبات عالیات از نظر اقتصادی چه نقشی در روابط

ایران و عثمانی در دوره صفوی داشت؟

موقعیت تجاری اقتصادی ایالت بغداد

در ابتدای تأسیس دولت صفوی، ایالت بغداد^۱ به عنوان قسمتی از خاک ایران زیر سلطه شاه اسماعیل اول قرار گرفت. این منطقه مرزی مهم سرزمینی تجارته و زیارتی

بررسی روابط سیاسی و مناسبات بین دولت‌های همجوار، از مباحث مهم دوره‌های تاریخی محسوب می‌شود. این امر زمانی مهم‌تر جلوه می‌کند که حکومت‌های مقتدری هم‌زمان و در محدوده مشخص جغرافیایی در کنار یکدیگر قرار گیرند. درست در میانه قرن‌های ده و یازده هجری/شانزده و هفده میلادی، شاهد حضور دو حکومت قدرتمند در جهان اسلام هستیم: امپراتوری عظیم عثمانی که تا قلب اروپا پیش رفته و تبدیل به قدرت بلامنزاعی شده بود؛ دیگری حکومت صفوی که توانسته بود آشنفگی‌ها و پراکندگی‌های حکومت‌های نیمه مستقل بعد از تیموری را از میان بردارد و قدرت خود را در ایران مستقر کند. اما تضادهای سیاسی و اقتصادی میان این دو دولت، روابط آن‌ها را دستخوش تحولات کرد. به طوری که این دو حکومت برای پیشبرد اهداف سیاسی خود، می‌کوشیدند راه‌های تجاری و مراکز اقتصادی و مذهبی را تحت کنترل درآورند تا از این طریق، منابع درآمدی و اقتصادی کشورشان را تأمین کند و دولت مقابل را در فشار گذارند. منطقه عراق عرب و بحث عتبات عالیات یکی از مناطقی بود که در این دوره، برای دو دولت عثمانی و صفوی اهمیت وافری داشت. این منطقه به علت قرار گرفتن مقابر امامان شیعه و بزرگان تسنن و تردد زائران در آن، از نظر اقتصادی و مذهبی اهمیت چشمگیری داشت. بر این اساس، هر یک از دول مذکور برای برخورداری از منافع اقتصادی این منطقه و وارد آوردن فشار اقتصادی بر دولت مقابل، تلاش‌های بسیاری می‌کردند؛ بنابراین، بخشی از چالش‌های نظامی و سیاسی دو دولت برای تسلط بر منابع اقتصادی عتبات عالیات و با هدف برخورداری از منافع اقتصادی این منطقه بود. درباره پیشینه پژوهش باید اذعان کرد که در زمینه جایگاه اقتصادی عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی در دوره صفوی، آن‌گونه که شایسته است کار

ابریشم عمده محصول تجاری در اقتصاد هر دو کشور بود که از این راه غربی به اروپا برده شده و در مقابل، کالاهای خارجی از طریق بصره و بغداد و خانیقین به داخل ایران حمل می‌شد (متی، ۱۳۸۷: ۷۵ تا ۸۰). به همین علت است که در سفرنامه برادران شرلی، از شهرهای بغداد و عتبات به عنوان محل تجاری بزرگ با هندوستان، ارمنستان، ایران و عثمانی یاد می‌شود (شرلی، ۱۳۶۲: ۸۵).

هنگامی که در سال ۹۱۴ ق/ ۱۵۰۸ م، شاه اسماعیل اول فاتحانه قدم به خاک بغداد نهاد، بسیاری از بازرگانان ایرانی در پی او به بغداد آمدند و امر تجارت در عراق رونق گرفت (Catinsaya, 2006: 143 - 156). اما سلطان سلیم در اقدامی سیاسی، روابط تجاری با ایران را تحریم کرد و با این اقدام خود، نه تنها باعث خشم و ناراحتی بازرگانان عثمانی شد که بازرگانان ایرانی را نیز ناخشنود کرده و خسارت جبران‌ناپذیری بر آن‌ها وارد کرد. ورود سلطان سلیمان به بغداد در سال ۹۴۰ ق/ ۱۵۳۳ م، محدودیت‌های تجاری را از بین برد و بازرگانان اروپایی سفر به بغداد را آغاز کردند (دوری، ۱۳۷۵: ۹۴). در دوران پادشاهی شاه عباس اول و با ارتباط دوستانه او با دولت عثمانی، روابط بازرگانی میان دو کشور حفظ شد (Kilic, 2003: 124 - 126). سلطان عثمان دوم (۱۰۲۷ تا ۱۰۳۱ ق/ ۱۶۱۷ تا ۱۶۲۱ م) در نامه‌ای به شاه عباس اول، از او خواست بازرگانانی را که از سوی عثمانی به ایران می‌آمدند با شعارهای مذهبی توهین‌آمیز معذب و مکلف ن سازند و به این طریق، زمینه بهبود و گسترش روابط تجاری را فراهم کند (نویسی، ۱۳۶۳: ۱۹۰ تا ۱۹۲).

با شدت گرفتن منازعات و تیرگی روابط، باز هم پاشای بغداد در حفظ روابط تجاری با ایران می‌کوشید. دلواله، سیاح ایتالیایی که از نزدیک و هم‌زمان شاهد این وقایع بوده، توضیح داده است که چگونه با شعله‌ور شدن جنگ و کشیده شدن آتش آن به بغداد «راه تجارت و دادوستد بین دو کشور قطع گردید؛ به طوری که تجار به خصوص

به شمار می‌رفت. اما درگیری‌های سیاسی بر سر تصاحب آن، با قدرت‌یابی دولت شیعی صفوی ادامه یافت و به مسئله‌ای چالش‌برانگیز در روابط ایران و عثمانی تبدیل شد. حاصل این درگیری‌ها در زمینه اقتصادی برای منطقه، جلوگیری از هرگونه رشد و پیشرفت بود (لباف، ۱۳۵۴: ۲۵ تا ۳۰).

عامل دیگر اهمیت ایالت بغداد، قرار گرفتن بر سر راه تجارت شرق و غرب بود؛ چنان‌که این منطقه به علت دسترسی به خلیج فارس و نیز ترانزیت تجارت با هند و آسیای غربی و آسیای صغیر دارای اهمیت خاص جغرافیایی بود؛ بنابراین دولت عثمانی که در اوج قدرت خود بود، نمی‌توانست از عواید چشمگیر آن چشم‌پوشی کند (ریاحی، ۱۳۸۶: ۳۴ تا ۴۰). دولت عثمانی در صورت تسلط بر ایالت بغداد می‌توانست بر حکومت شیعی صفوی، یعنی دشمن خویش، تسلط و برتری یابد و علاوه بر آن، مانع از نفوذ و گسترش شیعی‌گری در غرب و دیگر سرزمین‌های اسلامی شود؛ همچنین از نظر اقتصادی و به علت رفت و آمد تجار و زائران، می‌توانست درآمد گمرکی کلانی به دست آورد و در خلیج فارس نیز نفوذ کند. به این ترتیب، علاوه بر علل مذهبی و سیاسی، برای دولت عثمانی علل اقتصادی جدیدی برای حمله به دولت صفوی مطرح شده بود؛ زیرا نظارت صفویان بر بغداد و ایران، تجارت از راه خشکی بین خاور دور و اروپا را مانع شده بود. همه راه‌های بین شرق و غرب از طریق آن بخش از خاورمیانه که زیر سلطه عثمانی بود، به طور کلی مسدود شده بود و نظارت پرتغالی‌ها بر دریاها و شرق، این مسئله را تشدید می‌کرد (شاو، ۱۳۷۰: ۱۷۴).

علاوه بر این، یکی از راه‌های مهم تجاری ایران از همدان به غرب بود. در واقع، این راه زمینی بغداد کرمانشاه و بغداد حلب بود که اهمیت تجاری و اقتصادی عراق را دو چندان می‌کرد و آن را در کانون نظر و توجه حکومت‌های ایران و عثمانی قرار می‌داد. در این دوره،

همه چیز در این شهر کوچک یافت می‌شد» (سیف‌الدوله، ۱۴۰۵: ۲۴۴). همچنین اقدام سلطان سلیمان عثمانی در بازسازی نهر حسینیّه در کربلا، در زمینه رونق بخشیدن به حیات اقتصادی این شهر بود (العزواى، ۱۹۳۹: ۱۰۱۲).

با مرگ شاه عباس اول و شروع مجدد منازعات، گویی که خشم طبیعت هم شعله‌ور شد. طغیان مکرر رودخانه دجله و بیماری همه‌گیر طاعون در سال ۱۰۴۴ ق/ ۱۶۳۴ م، به حیات اقتصادی سرزمین عراق ضربه جبران‌ناپذیری وارد کرد و باعث کشتار بسیاری از مردم شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۹۳۲). صلح ذهاب در سال ۱۰۴۹ ق/ ۱۶۳۹ م، دورانی از امنیت را برای عراق به ارمغان آورد؛ ولی موجب بهبود اقتصاد بیمار عراق نشد (وردی، ۱۳۶۹: ۲۷).

در مجموع، در زمان استیلای حکومت صفوی بر عراق، اوضاع اقتصادی و تجاری این منطقه برتر از زمان تسلط دولت عثمانی بود. «شهر بغداد شهر تجارتي است؛ اما نه آن طوری که در اوقات مالکیت پادشاه ایران بود. زیرا که با ورود ترک‌ها بسیاری از تجار معتبر کشته شدند. با وجود این، جمعیت متصل از اطراف به آنجا می‌آیند؛ چه برای تجارت و چه محض زیارت...» (تاورنیه، ۱۳۶۶: ۲۲۲). تجاری که از عراق قصد عبور داشتند، باید گمرک سنگینی به دولت عثمانی در عراق می‌پرداختند و در عین حال، از خطر دزدان و راهزنان در امان نبودند. بیشترین فشار مالی ناشی از این وضع، بر دوش شیعیان ساکن در شهرهای عراق بود. آن‌ها از سازمان مالی و اداری که عثمانی‌ها ایجاد کرده بودند، بیزار بودند.

توصیف تاورنیه از شهر نجف، بیانگر وضع سخت اقتصادی شیعیان این شهر است. او می‌نویسد:

«در این آبادی [نجف] غیر از خرما و انگور و بادام که به قیمت گران به ما فروختند چیز دیگر پیدا نکردیم. وقتی که زوار به آنجا می‌آیند که خیلی به ندرت اتفاق می‌افتد و چیزی برای تغذیه پیدا نمی‌کنند شیخ دستور می‌دهد تا

تجار مسلمان بغداد؛ از ترس دشمن جرأت حرکت نیافتند. اما از آنجا که بغداد نمی‌تواند از آذوقه و مواد خوراکی وارد از ایران چشم‌پوشد، پاشا علی‌رغم تلفاتی که متحمل شد، هرگز ممانعتی در راه رفت و آمد کاروان‌ها ایجاد نکرده، حتی برعکس، به جهت درآمدهای گمرکی سالانه کشور و به خاطر نفعی که هر ساله از این طریق به جیب می‌زند، تا حد امکان تسهیلات بیشتری اعمال می‌کند. حتی از تجار و بارزگانان تقاضا می‌کند به کار خود ادامه دهند و به آنان قول می‌دهد، امنیت دلخواهشان را تأمین نماید» (دلاواله، ۱۳۴۸: ۴۴۱). پس از استیلای شاه عباس اول بر بغداد، تجارت این شهر توسعه یافت؛ زیرا بسیاری از تجار ایرانی و غیرایرانی که دشمن عثمانی بودند، همراه شاه وارد بغداد شدند. در زمان شاه عباس اول و شاه صفی، بیگلربیگی بغداد بیگلربیگی همدان نیز بود و این مسئله در ایجاد امنیت و رونق تجارت مسیر غرب مفید بود (بیانی، ۱۳۵۳: ۴ تا ۱۴).

در این وضع، نه تنها تجارت بغداد توسعه یافت بلکه شهرهای مقدس ایالت بغداد از جمله کربلا، نجف، کاظمین و سامراء نیز از نظر کشاورزی آباد شدند. کوشش شاهان صفوی برای رساندن آب به نجف و کربلا و حله، اقدامی در جهت احیای کشاورزی و آبادانی این شهرها نیز بود؛ زیرا این امر نه تنها توقف بیش‌تر زائران در این شهرها را باعث شده، بلکه گسترش باغ‌های کشاورزی آن را نیز موجب می‌شد. دلیل بر این ادعای ما، مشاهدات و توصیفات سیف‌الدوله سلطان محمد از باغ‌های نجف در عصر قاجار است که حدود یک قرن و نیم پس از سقوط سلسله صفوی، هنوز نام شاهان بزرگ و خیر صفوی را بر خود داشته است. او می‌نویسد:

«...مزارع زیاد دارند، یکی موسوم به عباسیه است و دیگری طهماسیه، سکنه و زراعت و نخیلات دارند. در بیابان نجف دُر پیدا می‌شود. مکرر دیده شده همین دُر را تراشیدند و عتیق الوان درآمده زبَرکت صاحب ولایت

ایران و از ایران تا هند رایج بود (قائدان، ۱۳۹۲: ۱۲۷). دولت عثمانی سکه‌های نقره را در ضربخانه‌های آناتولی ضرب می‌کرد. این نقره‌ها از معادن ارزنة‌الروم به دست می‌آمد و پس از ضرب، به ایران نیز وارد می‌شد؛ اما دولت عثمانی به خروج نقره اعتراض کرد و بنابراین، این دولت مانع خروج پول از قلمرو خود شد (Pamuk, 1999: 494).

شایان ذکر است در این دوره، خروج سکه نقره که در ضربخانه‌های آناتولی ضرب می‌شد، مشکلاتی را برای دولت عثمانی فراهم می‌کرد که جدال و مشکل تبدیل پول و سکه، در سفرنامه‌های دوره صفویه به خوبی منعکس شده است (Sahillioğlu, 1993: 34). بنابراین در این دوره، دولت عثمانی به شدت از خارج کردن نقره خود از سوی زوار به ایران جلوگیری می‌کرد (متی، ۱۳۸۷: ۸۴)؛ برای نمونه، می‌توان به دیدگاه دولت عثمانی در این باره اشاره کرد: «آقچه رسم ایران که به قران تعبیر می‌شود ۷، ۸ هزار قروش است و از در سعادت استانبول توسط ۱۰ نفر حجاج ایرانی که در حال عزیمت به جانب حجاز هستند، وارد شده است و مسکوکات اجنبی محسوب می‌شود و ورود آن‌ها ممنوع می‌باشد...» (قائدان، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

مسئله کمبود و قحطی نقره، مشکلات را برای ایران و عثمانی مضاعف می‌کرد. در این دوره، نقره عثمانی به ایران و نقره ایران به هندوستان سرازیر می‌شد که این مسئله در سال ۹۸۶ ق/ ۱۵۷۸ م به اوج خود رسید و مشکلاتی را پدید آورد. به رغم ممانعت از خروج سکه‌های نقره عثمانی که آن دولت استفاده از آن را تنها به بغداد و بصره محدود کرده بود، تجار و زوار آن‌ها را به ایران می‌آوردند (Floor, 2000: 338).

پس از تصرف مصر، دولت عثمانی به طلای آفریقا دست یافت و از آن پس، برای دولت خود از آن بهره می‌برد (Umit, 123; Pamuk, 1994: 954-963). علت استفاده اعراب از طلا و اهمیت آن در اقتصاد زیارتی آن

برنج را در آب و نمک جوشانیده قدری هم روغن روی آن نثار می‌کنند و وقت ظهر میان آن‌ها تقسیم می‌نمایند و چون در حوالی کوفه ابدلاً مرتعی برای پرورش حشم وجود ندارد، گوشت به هیچ وجه یافت نمی‌شود و بدتر از همه اینکه چوب برای سوخت به هیچ وجه به دست نمی‌آید» (تاورنیه، ۱۳۶۶، ۱۶۴).

احساسات ضد عثمانی و ضد سنی، به ویژه در جنوب بغداد، بسیار قوی بود و در واقع، کربلا در ظاهر زیر بیرق عثمانی بود. پاشاهایی که به حکومت بغداد منصوب می‌شدند، اغلب هیچ تعلق خاطری به این سرزمین نداشتند و اقدامات اصلاحی اندکی که انجام می‌دادند، برای کسب ثروت بیشتر بود؛ برای مثال، درویش محمد پاشا همان کسی که سیددراج، کلیددار حرم امام حسین (ع) را به شهادت رسانید و اموال او را غصب کرد، اصلاحی در زمینه سرمایه‌گذاری غله و احشام در عراق انجام داد و از این راه توانست به عنوان حکمران، سود کلانی به دست آورد. این وضع اقتصادی در عراق تا پایان حکومت صفویان در ایران ادامه یافت و پس از آن، زمینه را برای خودسری و استقلال‌طلبی پاشاهای ترک در عراق فراهم کرد (لانگریک، ۱۳۷۸: ۴۱).

جایگاه پول در اقتصاد عتبات عالیات

در اقتصاد، تنظیم جریان ورود و خروج پول بسیار حائز اهمیت است. در اقتصاد عتبات نیز، این موضوع در بازار مشترک شیعیان چالش‌هایی را برمی‌انگیخت. چنان‌که در اقتصاد عتبات گذشته از مبادله پایاپای، وسیله مبادله کالا پول بود. اگر بخواهیم این دوره را بررسی کنیم، باید ابتدا به وضعیت پول، در دو دولت عثمانی و صفوی، توجه کنیم. در دوره صفویه، یک لیره عثمانی معادل چهار تومان و نه عباسی بود (هدایتی، ۱۳۴۶: ۲۴۷). در این زمان، جنس سکه‌ها اغلب از نقره بود (قائدان، ۱۳۹۲: ۱۲۷). در عصر صفوی، فرآیند مبادله اجناس با نقره از عثمانی تا

بود که اعراب با هندوستان تجارت می‌کردند و هندی‌ها نیز در معادلات اقتصادی خود، خواهان طلا بودند؛ بنابراین زمانی که عثمانی‌ها به طلا دست یافتند، بر ارکان مهم اقتصادی منطقه مسلط شدند (Sureyya, 1995: 4). اما طلاهایی را که دولت عثمانی از خزانه مصر می‌فرستاد، گاه کفایت نمی‌کرد؛ در نتیجه، دولت عثمانی برای حل این مشکل استفاده از سکه‌های گوناگون در مناطق مختلف را آزاد کرد. از آنجا که واحد پول دولت صفوی سکه نقره بود، زواری که به قصد زیارت عتبات عالیات رهسپار می‌شدند، در دادوستدهای تجاری از سکه نقره استفاده می‌کردند؛ بنابراین از دیدگاه اقتصادی در دوره زمانی خاصی، در عتبات حجم مبادلات تجاری و جریان پول با رشد چشمگیری روبه‌رو می‌شد (قائدان، ۱۳۹۲: ۱۲۷ و ۱۲۸).

جایگاه اقتصادی زوار

زیارت به معنای دیدار کردن و قصد و آهنگ چیزی کردن و به عنوان سستی پسندیده و ارزشمند، همواره در میان مسلمانان متداول بوده است و امامان و پیشوایان دینی به آن تأکید و سفارش کرده‌اند؛ به ویژه هنگامی که قصد زیارت دیدار یکی از بزرگ‌ترین و برگزیده‌ترین بندگان خداوند باشد، برای آن ثواب و پاداش بسیاری قرار گرفته است (ابن قولویه، ۱۳۸۴: ۲۳ و ۲۴).

به این علت، سنت زیارت عتبات عالیات که قبور نوادگان پیامبر(ص) است، در میان مسلمانان جهان، به ویژه شیعیان، رواج و رونق خاصی داشته و مخالفت دولت‌ها هم نتوانسته است از اهمیت آن بکاهد؛ بنابراین از گذشته‌های دور، یعنی از زمانی که وجود پاک امامان شیعیان در شهرهای مقدس نجف، کربلا، کاظمین و سامراء به خاک سپرده شد، شیعیان ایرانی علاقه‌مند بودند برای زیارت مرقد پاک امامان شیعه به عراق عزیمت کنند. این موضوع در دوره‌های تاریخی که شهرهای مقدس

عراق در تصرف حاکمان ایران بود، مشکل ایجاد نمی‌کرد. پس از روی کار آمدن حکومت صفویه، عتبات عالیات و رفت و آمد کاروان‌های زیارتی به آن نواحی، به دو علت نزد حاکمان ایران اهمیت بیشتری پیدا کرد: نخست اینکه تشیع مذهب رسمی ایرانیان شناخته شد و پیروان مذهب شیعه علاقه بسیاری به مشاهد متبرکه امامان شیعه خود پیدا کردند و در واقع، عتبات عالیات قبله دوم مسلمانان شیعه شناخته شد؛ دوم اینکه پس از یک دوره طولانی درگیری و جنگ میان دو دولت صفوی و عثمانی، شهرهای مقدس عراق از قلمرو ایران جدا شده و بخشی از خاک عثمانی قلمداد شد؛ بنابراین رفت و آمد کاروان‌های زیارتی ایران به عتبات عالیات به نحوی با مسائل سیاسی ارتباط پیدا کرد و توجه حاکمان هر دو کشور ایران و عثمانی را به این موضوع برانگیخت (رحمانیان، ۱۳۹۱: ۳). زائران ایرانی که به عتبات عالیات عزیمت می‌کردند، سه دسته بودند: دسته اول زواری که تنها به قصد زیارت شهرهای مقدس، به خاک عراق سفر می‌کردند؛ افراد این دسته خود به سه گروه غنی و متوسط و فقیر تقسیم می‌شدند. طبقه اغنیا که شاهزادگان، مقامات دولتی یا خاندان سلطنتی را شامل می‌شد، در طول سفر مخارج بسیاری داشتند (الوردی، ۱۳۶۹: ۱۶۹/۱). طبقه دوم بازرگانان و تجاری بودند که به بهانه زیارت، اما در واقع به قصد تجارت و دادوستد راهی شهرهای مقدس عتبات می‌شدند؛ چنان‌که مسافرت زوار ایرانی که هر سال یک یا دو نوبت برای زیارت به عتبات عالیات رهسپار می‌شدند، همراه با تجارت و دادوستد بود که این تجارت به نوعی صادرات نامرئی، در اقتصاد عتبات عالیات شناخته می‌شد. بنابراین حضور ایرانی‌ها از یک سو، ارز خوبی به همراه داشت و از سوی دیگر، بازرگانی این منطقه را رونق می‌بخشید. طبق اشاره منابع، در این دوره، خرج زائران ایرانی در عتبات عالیات سالانه به طور متوسط ۵۰ میلیون دینار برابر با ۱۰ میلیارد ریال تخمین

زده شده است (لباف، ۱۳۵۴: ۲۹ و ۳۰).

اما دسته سوم حجاج ایرانی بودند که علاقه داشتند به هنگام عزیمت به مکه معظمه، در مسیر خود، عتبات عالیات را زیارت کنند و سپس به مکه مشرف شوند. این گروه از زوار در طی مسیر، بیشترین مشکلات را متحمل می‌شدند. نویسنده کتاب تیر اجل به مشکلات سفر آنان اشاره کرده و معتقد است در این مسیر، «تعدیات و بی‌حسابی‌های» بسیاری در حق زوار اعمال می‌شد (جعفریان، ۱۳۷۳: ۱۱/۳ و ۱۲).

برای زوار ایرانی مسافرت به عتبات و زیارت اماکن متبرکه آنجا از دو راه صورت می‌گرفت: یکی از راه خسروی (کرمانشاه) و دیگری از راه خرمشهر. برای زائرانی که در مناطق جنوبی ایران سکونت داشتند، راه آبی خرمشهر به بصره نزدیک‌تر و ارزان‌تر بود. مسیر خشکی یا همان خسروی، به طور معمول برای زائران شمال و غرب و مرکز ایران استفاده می‌شد. از خصوصیات بارز راه خسروی به عتبات عالیات، مشکلات و دشواری‌های بسیاری بود که زوار ایرانی طی حرکت در این مسیر متحمل می‌شدند؛ از جمله دریافت گمرک و تذکره^۲ از زوار که منبع اقتصادی مهمی نصیب دولت‌های حاکم بر عتبات می‌کرد (رحمانیان، ۱۳۹۱: ۶)؛ بنابراین بی‌نظمی و نبود نظارت دقیق از سوی کارگزاران عثمانی درباره مسئله گمرک، مشکلات فراوانی را برای زوار ایران ایجاد می‌کرد و این موضوع تلخی بود که همواره، باعث شکایت دولت ایران به دولت عثمانی می‌شد. بیشتر اوقات مأموران عثمانی هر مقدار که تمایل داشتند از زائران گمرک دریافت می‌کردند (نوابی، ۱۳۶۳: ۱۱۷۳ تا ۱۷۶).

دولت ایران به بدرفتاری مأموران عثمانی با زوار ایرانی و دریافت مبالغ بسیاری از آنان بابت گمرک و تذکره واکنش نشان داده و مسیر کاروان‌های زیارتی عتبات را به سمت خراسان و زیارت امام رضا(ع) تغییر داد؛ زیرا از یک سو، عتبات عالیات در تسلط ترکان عثمانی بود و

سفر به این شهرها خطرات جانی فراوانی داشت و از سوی دیگر، دولت صفوی و شخص شاه عباس اول موافق خروج ارز از کشور نبود و درصدد محروم کردن دولت عثمانی از درآمدهای اقتصادی زوار ایرانی به عتبات بود (سیوری، ۱۳۷۴: ۹۷).

شاه عباس می‌خواست با تبدیل مشهد به یک مرکز عمده زیارتی شیعه در داخل کشور، مانع خروج ارزی از کشور شود که تا قبل از این، در سایر اماکن مقدس شیعه در عراق که تحت تابعیت عثمانی قرار داشت، خرج می‌شد و در مقابل، رونق تجاری و اقتصادی شمال شرق ایران را باعث شود. سانسون که در زمان جانشینان شاه عباس اول از ایران دیدن کرد، در سفرنامه خود می‌نویسد: «مشهد زیارتگاه ایرانیان است. شهری بسیار غنی می‌باشد. شاه عباس چون نمی‌خواست رعایایش پول خود را از مملکت خارج کنند و در قلمرو حکومتی عثمانی خرج نمایند، می‌خواست آن‌ها را از رفتن به مکه منصرف گرداند و به رعایایش عشق و ارادت به امام رضا را که یکی از دوازده امام ایرانیان می‌باشد و در مشهد مدفون است، القا کرد...» (سانسون، ۱۳۷۴: ۲۰۱).

شاه عباس اول با توجه به نزدیکی و نیاز اقتصادی بغداد و شهرهای مذهبی عراق و حجاز به محصولات ارضی ایران، خواهان وارد کردن فشار اقتصادی بر حاکم ترک بغداد و فراهم کردن زمینه نارضایتی از او و طغیان، به ویژه در میان شیعیان عراق بود. با افزایش منازعات میان دو امپراتوری صفوی و عثمانی، در دوره شاه عباس اول رفت و آمد زائران در عمل غیرممکن شده بود؛ زیرا معدود زائران ثروتمند عتبات نیز، به علت ترس از اسارت توسط ترکان جرأت رفتن به عراق را نداشتند و در تمام این مدت، فشار مالی و آسیب‌های اقتصادی وارده بر مردم عراق بسیار بود. تاورنیه که پس از تسلط سلطان مراد چهارم، به عراق عرب سفر کرد، می‌نویسد: «اگرچه ایرانی‌ها علی‌را خیلی محترم می‌شمارند؛ اما به ندرت به

(برن، ۱۳۵۷: ۱۰۷). او در نجف، نزدیک صحن مقدس امام علی (ع) کاروانسرای بزرگی بنا کرد؛ سپس در این کاروانسرا، برای زوار مطبخ و محل ضیافت و خوابگاه ترتیب داد و ایرانیان را به زیارت این اماکن تشویق کرد تا از این طریق بتواند به منابع اقتصادی عتبات عالیات دست یابد (کاظمی، ۱۳۸۹: ۲۳ تا ۲۵).

زیارت‌های دسته جمعی ایرانی‌ها از عتبات عالیات، به قدری برای سران حکومتی دولت عثمانی و همچنین شیعیان و سنیان ساکن در عراق و حجاز منفعت اقتصادی داشت که حکومت عثمانی با وجود دشمنی و سوءظن به دولت صفوی و ائمه معصوم، نمی‌توانست از آن صرف‌نظر کند. بنابراین با مرگ شاه عباس اول، دولت عثمانی این مناطق را دوباره ضمیمه قلمرو خود کرد (درینگیل، ۱۳۸۴: ۲۱). پاشاهای سنی مذهب ترک در عراق، برای هر زائر ایرانی و برای دفن هر جنازه در عتبات پول کلانی دریافت می‌کردند (Yitzhak, 2003: 188 - 187). از سوی دیگر، ورود زائران ایرانی به اماکن مقدس عراق با رونق بازار، ایجاد کسب و کار، گسترش تجارت، رونق کاروانسراها و راه‌داری‌ها و نیز رفع بیکاری همراه بود. به این علت، حکام ترک به هیچ وجه به قطع روابط اقتصادی خود با دولت صفوی تمایل نداشتند و به هر طریق، در حفظ روابط می‌کوشیدند (لیتواک، ۱۳۸۴: ۱۵۶ و ۱۵۷).

همچنین، حکام ترک از عمق نارضایتی شیعیان و وابستگی سیاسی و اقتصادی و نیز مذهبی و اجتماعی شهرهای مقدس عراق به دولت ایران آگاه بودند؛ بنابراین، برای راضی نگه داشتن شیعیان و ثبات و دوام بخشیدن به حکومت خود در عراق، می‌بایست نیاز مالی و اقتصادی این سرزمین دور از مرکز را تأمین می‌کردند. در این اوضاع، ورود انبوه زوار نوعی «صادرات نامرئی» برای عراق بود که می‌توانست در رفع مشکلات اقتصادی مردم عراق به سران ترک کمک کند (همزلی لانگریگ، ۱۳۷۶:

زیارت قبر او می‌آیند؛ زیرا که برای وصول به آن ناچار باید از بغداد عبور نمایند. چون بغداد در تصرف خواندگار است در آنجا از هر یک از زوار هشت پیاستر دریافت می‌نمودند و این فقره مخالف میل شاه عباس بود که رعایای او به ترک‌ها باج بدهند. به این جهت توجه ایرانی‌ها را از زیارت قبر علی به طرف مشهد معطوف کرد» (تاورنیه، ۱۳۶۶: ۱۶۴).

وی در ادامه می‌افزاید: «و بر سلاطین اخلاف شاه عباس هم شاق و ناگوار شد که به رعایای خود اجازه رفتن به زیارت قبر علی را بدهند؛ زیرا آن باجی را که خداوندگار از رعایای آن‌ها می‌گرفت برای خود یک نوع خفت و توهین می‌پنداشتند. علت اصلی که ایرانی‌ها به زینت و تجملات این مسجد پرداخته‌اند و خودشان هم کمتر به آنجا می‌رفتند، این است...» (تاورنیه، ۱۳۶۶: ۱۶۴).

با وجود این، شاه عباس اول نمی‌خواست به طور کامل مانع سفر به عتبات شود؛ زیرا این سفرها از نظر اقتصادی زیان‌آور بود؛ اما از نظر فرهنگی و مذهبی سودآور بود و به منافع دولت شاه شیعی صفوی کمک می‌کرد (الوردی، ۱۳۶۹: ۱۶۹/۱). در واقع، تأثیر معنوی این نوع سفرهای زیارتی بسیار بود و به همین علت، دولت صفوی در هر زمان و در هر موقعیتی، در عهدنامه‌ها و قراردادهایی که با دولت عثمانی منعقد می‌کرد آن را در نظر می‌گرفت (نوابی، ۱۳۶۳: ۳۰). سرانجام در سال ۱۰۳۲ ق/ ۱۶۲۲ م، شاه عباس اول موفق به گشودن بغداد و بیرون راندن عثمانی‌ها از آنجا شد؛ بدین گونه، سیل عظیم زائران که مدت‌ها بود از رفتن به عتبات محروم شده بودند، به دنبال سپاه صفوی و با تبلیغ و تشویق دولت به راه افتادند (ترکمان، ۱۳۷۱: ۹۹۸/۳ و ۹۹۹).

شاه عباس اول بعد از مدت‌ها جنگ و رکود شدید اقتصادی، برای بهبود بخشیدن به وضع اقتصادی شهرهای عتبات و شیعیان عراق و بازگرداندن رونق و کسب و کار به شهرهای مقدس، زائران را به زیارت عتبات تشویق کرد

نیز حمایت کرده و آنان را تشویق می‌کردند (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۶ و ۲۷)؛ به طوری که موقوفات و نذورات سلاطین صفوی و عثمانی و زوار شیعه بر عتبات عالیات در ایالت بغداد، بر اهمیت اقتصادی این منطقه می‌افزود و موجب رونق اقتصادی می‌شد (Catinsaya, 2006: 143 - 156).

شاه اسماعیل اول، مؤسس سلسله صفوی، هنگام زیارت عتبات در سال ۹۱۴ ق/ ۱۵۰۸ م دستور تعمیر گسترده در عتبات را صادر کرده و آن حرم‌های مقدس را با پرده‌های زرتار و قالی‌های ابریشمی و فرش‌های رنگین تزیین کرد و قندیل‌های طلا برای روشنایی آن اعتبار مقدس به کار برد. «حاصل و محصول و مال و منال بعضی از محال عراق عرب را به آن روضات جنت آیات مسلم داشتند، به خدام آن عتبات مقدسات» (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۷۲). همچنین، شاه اسماعیل دستور داد تا نهری را از فرات به سوی نجف جاری سازند و زمین‌های کشاورزی اطراف نهر را برای علامه محقق کرکی که در آن زمان در نجف سکونت داشت و در حوزه علمیه آنجا در جهت گسترش و حمایت از مذهب تشیع تلاش می‌کرد، وقف کنند (ورسی، ۱۳۷۵: ۷۲). پس از او نیز شاه تهماسب به علت محبوبیتی که محقق کرکی در نزد وی و دولت صفوی داشت، در فرمانی اراضی وسیعی در عراق را وقف وی و اولاد او کرد (یوسف جمالی، ۱۳۸۵: ۳۸۳ و ۳۸۴).

اما مشهورترین موقوفات شاهان صفوی متعلق به شاه عباس اول است. شاه عباس اول در بیست و یکمین سال سلطنت خود، در وقف‌نامه‌ای که شیخ‌بهای آن را تهیه و تنظیم کرد، تمامی جواهرات، گله‌های شتر، مواشی و اغنام، ظروف طلا و نقره و تمام دارایی خود را وقف چهارده معصوم (ع) کرد. شاه تولیت اوقاف مزبور را به خود و به پادشاهان پس از خود اختصاص داد و دستور داد تا چهارده مهر به اسم چهارده معصوم تهیه کنند

(۶۷). ورود مسافران به عتبات، ورود ارز و رونق بازار را به دنبال داشت. بدون تردید، مسافران ایرانی که هر سال یک یا دو نوبت برای زیارت اماکن مقدسه به این کشور رو می‌آوردند در درجه اول اهمیت، ارز خوبی وارد عراق می‌کردند و بارزگانی داخلی آنجا را رونق می‌بخشیدند (لباف، ۱۳۵۴: ۲۹ و ۳۰). به ویژه که این زوار حاضر بودند برای به دست آوردن مقداری از آب و خاک این اماکن مقدس، مبلغ درخور توجهی پول پردازند. در واقع، به علت سرازیر شدن پول ایران به عتبات عالیات و حرمین شریفین بود که مردم آنجا می‌توانستند تا حد امکان آسوده زندگی کنند (لیتواک، ۱۳۸۴: ۱۵۶).

شاید نظر اغراق‌آمیز ابوالحسن خان فخرالملک که حدود یک قرن و نیم پس از سقوط صفویان به زیارت عتبات مشرف شد، درباره نقش اقتصادی زوار دوره صفوی نیز تعمیم‌پذیر باشد. به گفته او، «واقعاً اگر دو سال زوار مشرف نشوند، همه این کسبه ورشکست خواهند شد» (فخرالملک، ۱۳۷۲: ۴۳). این مطلب نقش اقتصادی شهرهای زیارتی عراق و زوار ایرانی در عراق را به خوبی نشان می‌دهد و همچنین موید این نکته است که وابستگی اقتصادی که با تأسیس سلسله صفوی به طور گسترده آغاز شد، در قرن‌های پس از آن همچنان ادامه یافت.

عتبات و موقوفات صفویان

در طول تاریخ، وقف اموال به نام ائمه اطهار (ع) در اماکن مقدس عراق از سوی سلاطین، حکام، بزرگان و علمای مذهبی و ثروتمندان همواره امری متداول بوده است. با تأسیس دولت صفوی و گسترش مذهب تشیع در ایران و عراق، با هدف حفظ و دوام دین و دولت این سنت مقدس بیش از پیش رو به گسترش نهاد. شاهان شیعه و متعصب صفوی از آغاز حکومت خود، نه تنها اموال بسیاری را در خراسان و اماکن مقدس نجف، کربلا، کاظمین و سامرا وقف کردند، بلکه در این امر، از دیگران

(ناصرالدین شاه، ۱۳۷۲: ۱۲۶). شاه عباس اول در زمینه ساخت مسجد، مدرسه، کاروانسرا، راه، حمام و غیره نیز در نجف کوشش کرد. مسجد عمران و مسجدالرأس، یعنی دو مسجد بزرگ نجف، در راستای اهداف مذهبی و سیاسی شاه عباس اول و به منظور اقامت و آرامش طلاب و علمای مذهب تشیع و همچنین برای شهرت جهانی بخشیدن به نجف، به عنوان دانشگاه بزرگ اسلامی، بازسازی و تجدید بنا شدند. از سوی دیگر، شاه عباس اول بانی مدرسه غریبه در نجف است. این مدرسه که در شمال شرقی صحن مطهر قرار دارد، برخی از مجموعه آستانه نجف است و از مراکز تدریس و سکونت طلاب بوده است (انصاری قمی، ۱۳۷۳: ۷۷ و ۷۹). حتی به اعتقاد بعضی از نویسندگان و مورخان، او دهکده نجف‌آباد را احداث و آن را وقف نجف اشرف کرد (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۱۳۵). او حتی چند قطعه لعل گرانبها را که از خزانه پادشاهان تیموری هند به ایران انتقال یافته بود، وقف آرامگاه حضرت علی(ع) کرد (فلسفی، ۱۳۵۳: ۸۶ تا ۸۸).

پس از شاه عباس اول نیز، سنت وقف برای اماکن مقدس عراق و چهارده معصوم(ع) توسط شاهان صفوی ادامه یافت؛ اما هیچ کدام شهرت و عظمت موقوفات شاه عباس اول را نداشته است. علاوه بر شاهان این سلسله، بسیاری از خیران و محبان اهل بیت(ع) برای آنکه سعادت دنیا و آخرت خود را تأمین کنند و میراثی جاودان بر جای گذارند، همواره اموال خود را وقف عتبات و چهارده معصوم(ع) کرده‌اند که در این میان، زنان ایرانی به علت داشتن زیورآلات و جواهرات گرانبها، نقش مهم و عمده‌ای در تاریخ دارند. یکی از این زنان مهین‌بانو، کوچک‌ترین دختر شاه اسماعیل اول، بود. او که در زمان سلطنت برادرش شاه تهماسب اول دارای نفوذ و ثروت بسیار بود، «هر ساله مبلغ‌های کلی که حساب آن را نگاه داشتن قدرت هیچ محاسبی نبود، به وسیله مولانا

(ترکمان، ۱۳۵۰: ۷۶۰ تا ۷۶۴). از فهرست موقوفات شاه عباس اول که شامل ائمه(ع) مدفون در عراق عرب است، می‌توان به وقف محصولات قزوین و کاشان و بلوک اصفهان و نیز اختصاص درآمد موقوفات اصفهان به عتبات عالیات اشاره کرد (ر.ک: منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۳۰۴).

وقف‌نامه دیگری را از شاه عباس اول مربوط به وقایع سال ۱۰۱۴ ق/۱۶۰۵ م، مؤلف قصص‌الخاقانی آورده است که از نظر نشان دادن موقوفات این شاه شیعی در عتبات و به ویژه در نجف و همچنین در اثبات علاقه و احترام خاص او به نجف دارای اهمیت بسیاری است. در قسمتی از این وقف‌نامه که بعینه نقل می‌شود، آمده است: «آنچه تا حین صدور هذاالوقف و مشروعیه بر حرم اشرف و مرقد ارفع اقدس... و آن همگی و تمامی و جملگی کاروانسرای واقع در صدر میدان نقش جهان دارالسلطنه اصفهان مع قیصریه متصل بدان و کل بازار دور میدان مذکور و حمام واقع در حوالی آن مشهور به نام شاهی که جمیع آن‌ها احداث کرده کلب آستان علی بن ابی‌طالب بندگان نواب کامیاب سپهر و کلب علی حضرت واقف است...» (شاملو، ۱۳۷۱، ۱۹۰ تا ۱۹۳).

شاه عباس اول ثواب آنچه وقف امیرالمؤمنین(ع) کرده برای شاه اسماعیل اول و آنچه وقف امام حسین(ع) کرده بود، برای شاهزاده حمزه میرزا قرار داد و به این ترتیب، کل دارایی و بیوتات خاصه خود را وقف کرد (ترکمان، ۱۳۷۱: ۷۶۱/۳). شاه عباس اول فرش‌ها و سجاده‌های ایرانی کمیاب و بی‌نظیری را که در عصر صفوی در شهر اصفهان بافته می‌شد، وقف نجف کرد (کاظمی، ۱۳۸۹: ۳۴ تا ۵۶). ناصرالدین شاه قاجار که در سفر خود به عراق عرب، از کیفیت و مرغوبیت فرش‌های عصر صفوی شگفت زده شده است، می‌نویسد: «فرش‌های ابریشمی قالی که صفوی یعنی شاه عباس انداخته است و رقم هم دارد مثل این است که امروز از کارخانه درآمده است»

دولت صفوی بود تا عنایات حکومت عثمانی که همواره درگیر جنگ بود و مرکز سیاسی آن از عراق فاصله طولانی داشت.

دفن اموات در عتبات عالیات

دفن اموات در جوار ائمه اطهار (ع) و بزرگان اسلام، آرزوی هر مسلمانی است و احادیث و روایات بسیاری درباره فضیلت دفن در اماکن شریف آورده شده است؛ به ویژه عتبات عالیات که وادی اسلام و آرامگاه بزرگان شیعیان است و در اعتقاد شیعیان، برای خاک آنجا فضایل بسیاری وجود دارد (نفیسی، ۱۳۶۴: ۶۱ و ۶۲).

پس از تأسیس حکومت صفوی در ایران و در پی اهداف سیاسی و فرهنگی آن‌ها، اعتقادات شیعی در سطح جامعه گسترش یافت. مسئله فضیلت و تقدس خاک عتبات یکی از اعتقاداتی بود که با تأیید و حمایت روحانیان عصر صفوی روبه‌رو شد. رسول جعفریان به نقل از علامه محمدتقی مجلسی، از روحانیان منتقد عصر صفوی، در این زمینه آورده است: «چون نقل به ارض مقدسه خوب است، پس خوب است که شیعیان امیرالمؤمنین نقل کنند مردگان خود را به ارض مقدسه اهل بیت که آن نجف و کربلا و معلا و سایر اماکن شریفه باشد...» (جعفریان، ۱۳۷۹: ۱۰۷/۳). کمپفر، جهانگرد اروپایی که از نزدیک شاهد احترام و تجلیل شیعیان به خاک عتبات بود، می‌نویسد: «زائران ایرانی قطعاتی از تربت علی را با خود می‌آورند و در نماز از آن استفاده می‌کنند» (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۷۸).

اما قرار گرفتن اعتاب مقدس در خاک عثمانی و حمل جنازه از سوی کاروان‌های ایرانی برای تدفین در آن محل و مشکلات متعدد ناشی از آن، از مسائل مهم دوره صفویه بود. چنان‌که در این دوره، تلاش مضاعف ایرانیان شیعه برای تدفین مردگان خود در عتبات، حمل اموات را به تجارتی پرسود تبدیل کرده بود (نفیسی، ۱۳۶۴: ۶۱ و ۶۲).

عمادالدین به اهل کربلا و نجف و سادات مدینه مشرفه و سایر عتبات عالی و اعراب و جبل‌عامل و جزایر شفقت می‌کردند و مبلغ‌های دیگر نقد و اسباب و یراق به آستان‌های مقدسات و اماکن متبرکات که در ممالک محروسه واقع بود، می‌فرستادند و املاک نفیس که در شروان و ارسبار و تبریز و قزوین و ساوجبلاغ و شهریار و ری و اصفهان و گرمود، استرآباد به هم رسانیده بودند، واقف بر حضرات عالیات چهارده معصوم صلوات‌الله علیهم اجمعین فرموده تولیت آن را به شاه عالمین و بعد از ایشان به پادشاه زمان منوط گردانیدند» (حسینی‌القمی، ۱۳۵۹: ۴۳۰ و ۴۳۱).

با تسلط دولت عثمانی بر عراق، از این سنت پسندیده شیعیان در عتبات تا حد بسیاری کاسته شد. دولت عثمانی چون وظیفه اصلی خود را غزا و جهاد می‌دانست، هرگز از بودجه خود مدرسه، مسجد، حمام، کاروانسرا، بیمارستان و غیره نمی‌ساخت. این دولت تنها بناهایی را احداث می‌کرد که در جهت اهداف نظامی بود. بنابراین اماکن مقدس شیعیان در عراق که کانون مخالفت با سلاطین ترک محسوب می‌شدند، گرفتار غفلت و بی‌توجهی ترکان شدند. این اوضاع به میزان چشمگیری از تعداد طلاب و علمای دینی که برای عبادت و تحصیل وارد این شهرها می‌شدند کاست و تنزل اقتصادی این اماکن را باعث شد (انصاری قمی، ۱۳۷۳: ۶۹). در یک جمع‌بندی نهایی، آشکار می‌شود که این شهرهای زیارتی تا چه اندازه در وضع اقتصادی مردم عراق و دولت‌ها تأثیرگذار بوده و نقش مهم و حیاتی داشته‌اند. در حقیقت، بسیاری از ساکنان شهرهای زیارتی معیشت و اداره زندگی خود را مدیون این زوار و موقوفات بودند. چون بیش‌تر این زوار از ایران رهسپار عراق می‌شدند، وضع اقتصادی حاکم بر عراق تا حد بسیاری تحت تأثیر تصمیم‌گیری‌های

ایرانی دریافت می‌کردند (قایا، ۲۰۰۸: ۲۶۳). بر این هزینه‌ها، هزینه کفن و دفن اموات را نیز باید اضافه کرد که بین ۱۰ تا ۲۰ تومان بود و مواقعی حتی از این هم بیشتر تعیین می‌شد (قایا، ۲۰۰۸: ۲۶۴). با وجود سخت‌گیری‌های مرتب و اخذ مالیات‌های سنگین، انتقال اجساد به سرداب‌ها و گورستان‌های خانوادگی و قبرستان‌های نزدیک آستانه ائمه اطهار علیهم‌السلام همچنان ادامه داشت. چنان‌که این رسم ابتدا در میان پادشاهان و علما و بزرگان دولتی و حکومتی متداول بود (Yitzhak, 2003: 187 - 188). این امر در بیشتر اماکن مقدس شیعیان در ایران و عراق و به ویژه در نجف اشرف، موجب پیدایش حرفه‌ای در این خصوص شد (آتش، ۲۰۱۰: ۵۱۲ تا ۵۲۳). در هنگام منازعات، امکان فرستادن اجساد به عراق وجود نداشت؛ اما در هنگام حکومت پاشاها بر عراق، گویا به علت منافع اقتصادی این سنت تا حد امکان برقرار بود. گفتنی است در این زمینه، میان زن و مرد تفاوتی وجود نداشت و دیگر آنکه با گذشت زمان و نزدیک شدن به اواخر عصر صفوی و پس از آن، بر تعداد کسانی که در کربلا دفن می‌شدند، افزوده شد و سایر اماکن مقدس نیز، فضیلتی همانند نجف یافتند (نفیسی، ۱۳۶۴: ۶۳ و ۶۴).

از میان شاهان صفوی، به احتمال بیشتر، محمد خدابنده در عتبات دفن شده است. هنگامی که او در سال ۱۰۰۳ ق/۱۵۹۴ م، بعد از مدت‌ها خانه‌نشینی در دولتخانه قزوین به حکم قضای الهی بیمار شد و معالجه سودی نداشت و حیات را بدرود گفت، در آستانه امامزاده حسین قزوین دفن شد؛ سپس از آنجا و برای دفن در جوار حضرت امام حسین (ع)، به عتبات عالیات عراق برده شد (هدایت، ۱۳۵۰: ۶۶۹۳ و ۶۶۹۴).

از میان شاهان صفوی، شاه تهماسب اول و شاه عباس اول جز شاهانی هستند که روایات و شایعاتی درباره دفن آن‌ها در عتبات وجود دارد (منجم، ۱۳۶۶: ۱۵۲).

جنازه‌ها و استخوان‌هایی که کاروان‌ها همراه با مراسم مذهبی و تشریفات لازم و نیز متناسب با شرایط و محدودیت‌های مربوط به این اماکن مقدس با خود حمل می‌کردند، دو پیامد همراه داشت: از یک سو، بانی ارتباط و پیوند حکومت و جامعه شیعه ایران با اتباع شیعی عثمانی بود و از سوی دیگر، موجب افزایش درآمد دولت عثمانی از این مسئله می‌شد (رحمانیان، ۱۳۹۱: ۱۰).

کارگزاران عثمانی به بهانه‌های مختلف، از جنازه‌ها مالیات می‌گرفتند. مقدار پولی که مأموران عثمانی از بابت قرنطینه جنازه و اعطای شهادت‌نامه از زائران می‌گرفتند، متفاوت بود؛ برای مثال، مؤلف کتاب مشکوه‌المسافرین این مقدار را ۵ هزار دینار بیان کرده است (مشکوه‌السلطان، ۱۳۷۶: ۵۱ تا ۵۳). صرف نظر از پولی که از طریق حمل جنازه به عتبات عالیات، عاید دولت عثمانی می‌شد، مسئله بهداشت و معضل جلوگیری از شیوع بیماری‌های مسری نظیر وبا، حساسیت موضوع را چند برابر می‌کرد. رعایت نشدن بهداشت از سوی کاروان‌های زیارتی در حین حمل اموات و نیز طولانی بودن مسیر و گرمای هوا، موجب رواج بیماری‌های مسری می‌شد (Burrel, 1988: 18 - 22). درآمد اقتصادی دیگری که این جنازه‌ها برای دولت عثمانی داشت، دریافت وجوه متعدد برای کفن و دفن اموات و قیمت گزاف زمین در عتبات عالیات بود. بر اساس نوشته دیلک قایا، قیمت قبرها و مبالغی که برای تدفین از صاحبان جنازه‌ها گرفته می‌شد، بر اساس شهرهای عتبات و جایگاه موجود در آن شهر تعیین می‌شد. این بدان معناست که قیمت قبرها در نجف اشرف و کربلا متفاوت بود؛ همان‌طور که میزان مالیات‌ها، با توجه به دوری و اهمیت آن منطقه، متغیر بود (قایا، ۲۰۰۸: ۲۶۳ و ۲۶۴). تدفین جنازه‌ها در رواق امام علی (ع) در نجف اشرف تا ۵۰ هزار قروش طلا بود (قایا، ۲۰۰۸: ۲۶۶). علاوه بر آن، گاهی اوقات حاکمان شهرهای عتبات عالیات از دولت ایران نیز عوارضی برای تدفین جنازه

کرد، می‌نویسد: «ایرانیان برای تدفین پادشاهان خود شهر قم و کاشان و مشهد و اردبیل را بر سایرین ترجیح می‌دهند» (شاردن، ۱۳۴۵: ۱۲۹). در اسامی شهرهایی که شاردن آورده است نامی از نجف و کربلا دیده نمی‌شود. شاردن در ادامه مطالب خود می‌افزاید: «شیعیان در میان ائمه بر امام رضا بیش از همه احترام می‌گذارند و همیشه نام او را بر زبان دارند و دفن شدن در جوار او را آمرزش می‌پندارند. چه عقیده عامه این است که هر کس در جوار معصوم یا یکی از اولیای مذهب دفن بشود در حمایت اوست» (شاردن، ۱۳۴۵، ۱۲۸).

نتیجه

در آغاز تأسیس دولت صفوی، عراق عرب و به تبع آن شهرهای زیارتی زیر استیلای دولت صفوی قرار گرفت و عراق جز خاک ایران محسوب شد. با توجه به سابقه تاریخی و پیوندهای ارضی دو سرزمین، این امر طبیعی به نظر می‌رسید. اما این وضعیت مدت چندانی دوام نیاورد؛ زیرا دولت صفوی اساس ساختار حکومتی خود را بر اساس ساختار دینی استوار ساخته بود و بر شأن دینی خود بسیار تأکید می‌کرد و بهره‌برداری از عتبات در راستای این هدف قرار داشت. اما همین سیاست مذهبی یکی از مهم‌ترین عللی بود که آن‌ها را در برابر امپراتوری عثمانی قرار داد. بنابراین با توجه به آنچه در این پژوهش، درباره نقش اقتصادی عتبات در روابط ایران و عثمانی در دوره صفوی بررسی شد، می‌توان چنین برداشت کرد:

نزد هر دو دولت صفوی و عثمانی، جنبه سیاسی و اقتصادی تسلط بر شهرهای زیارتی عراق بر جنبه‌های اعتقادی آن برتری داشت. سلاطین بزرگ و به ظاهر متدین صفوی، همچون شاه اسماعیل اول و تهماسب و شاه عباس اول، دارای اعتقادات و تمایلات دینی بودند و با رسمیت یافتن مذهب تشیع از سوی آن‌ها، این امر طبیعی می‌نمود؛ اما منافع سیاسی و اقتصادی آن‌ها بسیار

اسکندریبیک ترکمان، مورخ شاه عباس اول، در این باره می‌نویسد: «آن جنازه را در پشت مشهد بیرون کاشان که مدفن امامزاده عالی مقداری است موسوم به حبیب بن موسی به امانت گذاشتند که انشاءالله به یکی از اماکن مشرفه و آستان‌های متبرکه نقل شود» (ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۰۷۸ و ۱۰۷۹). شاه صفی، نواده و جانشین شاه عباس اول، از دیگر شاهان صفوی است که درباره آرامگاه او اختلاف نظرهایی وجود دارد. نقل شده است که جسد شاه صفی نیز به نجف اشرف برده و در آنجا دفن شده است. اما منجم یزدی نظر دیگری درباره محل دفن وی دارد و معتقد است: «جسد مطهر این شاه در آرامگاه حرم منوره معصومه مدفون گردید» (منجم، ۱۳۶۶: ۷۹). بسیاری از بزرگان و علمای عصر صفوی نیز در اعتاب مقدس دفن شدند. دو نفر از آن‌ها، بزرگ‌ترین و مشهورترین عالمان مذهب تشیع در عصر خود بودند که پس از فوت انتقال داده شدند. یکی علی بن حسین عبدالعال کرکی، معروف به محقق ثانی و محقق کرکی که از جبل عامل لبنان بود و سپس به نجف هجرت کرد. او در آنجا، در محضر علمای بزرگ شیعه به تحصیل پرداخت و در ترویج مذهب تشیع کوشش بسیار کرد. محقق کرکی مدتی به ایران آمد و در اواخر عمر به نجف بازگشت و پس از فوت، در نجف دفن شد (حسینی‌القمی، ۱۳۵۹: ۲۴۶ و ۲۴۷). عالم دیگر محمدباقر استرآبادی، معروف به میرداماد، عالم و فیلسوف بزرگ عصر صفوی بوده که نزد شاه عباس اول بسیار محترم بود. او در دوره پادشاهی شاه صفی، مابین کربلا و نجف فوت کرد و به دستور شاه صفی، جنازه‌اش را به نجف اشرف انتقال دادند و در آن عتبه عالییه دفن کردند (غفاری، ۱۳۴۳: ۳۹).

پس از فوت شاه عباس اول و تسلط اهل سنت بر عراق عرب، از انتقال اجساد به عتبات به نحو وسیعی کاسته شد. شاردن که در زمان شاه سلیمان صفوی از ایران دیدن

بخشیدن به بازار فروش کالاهای کشاورزی و تزئینی خود در عتبات و همچنین فروش مهر و تسبیح از خاک کربلا و دفن اموات در شهرهای زیارتی، منافع سرشاری به دست آورند.

پی‌نوشت

۱. در این دوره شهرهای مقدس کربلا، نجف، کاظمین و سامراء بخشی از ایالت بغداد به شمار می‌آمدند و هر دولتی که بر ایالت بغداد حکومت می‌کرد، شهرهای فوق نیز جزئی از قلمرو حکومتی وی محسوب می‌شد. بنابراین حاکمان ایران و عثمانی بغداد را کلید دستیابی به عتبات عالیات می‌دانستند (ریاحی، ۱۳۶۸: ۳۰ تا ۸۰).
۲. تذکر یا برگه عبور که پیش طرح گذرنامه‌های مدرن بود.

کتابنامه

الف. کتاب‌های فارسی و عربی

- . ابن القولویه القمی، ابی القاسم جعفر بن محمد بن جعفر، (۱۳۸۴)، کامل الزیارات، ترجمه سیدمحمدجواد ذهنی، تهران: پیام حق. ۱۳۸۴.
- . احمدی، نزهت، (۱۳۹۰)، در باب اوقاف صفوی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- . اعتمادالسلطنه، (۱۳۶۴)، مرآةالبلدان، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.
- . برن، رهبر، (۱۳۵۷)، نظام ایالات دوره صفویه، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: کتاب.
- . بیانی، خانابابا، (۱۳۵۳)، تاریخ نظامی ایران دوره صفویه، تهران: ارتشتاران.
- . ترکمان، اسکندربیک، (۱۳۵۰)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، ۳ ج، تهران: گلشن.
- . -----، (۱۳۷۱)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.

درخور توجه است. شاهان شیعی صفوی و به ویژه شاه عباس اول، بیش از آنکه یک شیعی متعصب و افراطی باشند، سیاستمداری بزرگ بودند و هیچگاه حاضر نبودند که اهداف سیاسی و نظامی و نیز منافع ملی و میهنی کشور را فدای مذهب کنند. شاه عباس اول در هنگام به قدرت رسیدن و داشتن موضع ضعف، نه تنها از سراسر عراق عرب که حتی از شمال غرب ایران نیز چشم پوشید و برای سر و سامان دادن به اقتصاد نابسامان کشور، برای زائران عتبات و حتی خانه خدا شرایط و محدودیت‌هایی وضع کرد تا زمانی که در پیشبرد سیاست اقتصادی خویش موفق شد. سرزمین عراق و به خصوص عتبات عالیات، در طی حکومت صفوی و پس از آن، خواسته و ناخواسته از نظر اقتصادی به طور کامل به دولت ایران وابسته شد که مهم‌ترین علت آن وجود شهرهای زیارتی در جنوب عراق و بغداد بود. اماکن مقدس عراق منبع مهم اقتصادی و کسب و درآمد برای تجار، کسبه و مردم عراق بود. این امر تنها با حضور سالانه هزاران زائر ایرانی امکان‌پذیر بود که در واقع، نوعی صادرات نامرئی محسوب می‌شد. همچنین، تعداد درخور توجهی از شیعیان عراق با سمت متولی، خادم، چراغچی باشی، کفشدار و غیره در عتبات عالیات خدمت کرده و حقوق و مواجب خود را از طریق موقوفات دولت صفوی دریافت می‌کردند. در کنار شیعیان عراق و شهرهای مذهبی آن که از نظر اقتصادی و مایحتاج خود، به طور کامل به دولت صفوی وابسته شده بودند، حکومت‌های عثمانی و صفوی نیز از طریق تسلط بر عتبات عالیات منافع اقتصادی چشمگیری به دست می‌آوردند. چنان‌که این حکومت‌ها می‌توانستند از عبور تجار غرب و شرق و همچنین حرکت زوار به عتبات حق گمرکی خوبی دریافت کنند؛ از سوی دیگر، می‌توانستند با رونق

- جعفریان، رسول، (۱۳۷۳)، میراث اسلامی ایران، ج ۳، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ، (۱۳۷۹)، صفویه در عرصه دین و فرهنگ و سیاست، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- الحسینی القمی، احمد بن شرف‌الدین الحسین، (۱۳۵۹)، خلاصه‌التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.
- دوری، عبدالعزیز، (۱۳۷۵)، بغداد چند مقاله در تاریخ و جغرافیای تاریخی، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: آزاد.
- ریاحی، محمدامین، (۱۳۶۸)، سفارتنامه‌های ایران، تهران: توس.
- سیوری، راجر، (۱۳۷۴)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزیان، تهران: مرکز.
- شاملو، ولی قلی خان، (۱۳۷۱)، قصص الخاقانی، تصحیح و پاورقی سیدحسن سادات ناصری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شاو، استنفورد جی، (۱۳۷۰)، امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
- العزوی، عباس، (۱۹۳۹)، تاریخ العراق بین احتلالین، ۷ج، بغداد: مطبعة الفضيحة الاهلية.
- غفاری قزوینی، قاضی احمد، (۱۳۴۳)، تاریخ جهان‌آرا، تهران: حافظ.
- فلسفی، نصرالله، (۱۳۵۳)، تاریخ زندگانی شاه عباس اول، تهران: دانشگاه تهران.
- قایا، دیلک، (۲۰۰۸)، کربلاء فی الارشیف العثماني (۱۸۴۰-۱۸۷۶)، ترجمه عن التزکیه و حازم سعید منتصر و مصطفی زهران، بیروت: الدار العربیة للموسوعات.
- لانگریک، استیون همزلی، (۱۳۷۸)، تاریخ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی عراق ۱۹۵۰-۱۹۰۰، ترجمه اسدالله توکلی و محمدرضا مصباحی، مشهد: آستان مقدس رضوی.
- لباف، زهیر، (۱۳۵۴)، عراق و روابط آن با ایران، تهران: علمی.
- متی، رودلف، (۱۳۸۷)، اقتصاد و سیاست خارجی ایران عصر صفوی، ترجمه حسن زندیه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مشکوه‌السلطان، علی اکبر، (۱۳۷۶)، مشکوه‌المسافرین، تهران: میراث اسلامی ایران.
- منجم، ملاجلال، (۱۳۶۶)، تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران: وحید.
- نصرآبادی، محمداطاهر، (۱۳۷۸)، تذکره نصرآبادی، به کوشش محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- نفیسی، فهدعبدالله، (۱۳۶۴)، نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، ترجمه کاظم چایچیان، تهران: امیرکبیر.
- نوابی، عبدالحسین، (۱۳۶۳)، اسناد و مکاتبات ایران از سال ۱۱۰۵-۱۱۳۵ همراه با یادداشت‌های تفصیلی، تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- واله اصفهانی، محمدیوسف، (۱۳۷۲)، خلدبرین، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: ادبی و تاریخی موقوفات.
- وردی، علی، (۱۳۶۹)، لمحات الاجتماع من تاریخ العراق، بغداد: مطبعة الارشاد.
- ورسی، محقق، (۱۳۷۵)، نجف اشرف در ادوار زمان، مشهد: محب.
- هدایت، رضاقلی‌خان، (۱۳۸۰)، روضه‌الصفاء، تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر.
- هدایتی، علی اصغر، (۱۳۴۶)، اقتصاد جمعیت؛ تحقیق در افزایش جمعیت و توسعه اقتصادی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- یوسف جمالی، محمدرکیم، (۱۳۸۵)، تاریخ تحولات ایران عصر صفوی؛ از شیخ صفی تا شاه عباس، اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.

ب. سفرنامه

-----، (بهار ۱۳۹۱)، «مسئله اتباع ایرانی در عتبات عالیات بعد از معاهده ارزروم دوم و بازتاب آن در مناسبات ایران و عثمانی»، مطالعات تاریخ فرهنگی، س ۳، ش ۱۱، ص ۳۳ تا ۵۲.

قائدان، اصغر و دیگران، (تابستان ۱۳۹۲)، «جایگاه حج در مناسبات اقتصادی ایران و عثمانی در عصر قاجار»، مطالعات تاریخ اسلام، س ۵، ش ۱۷، ص ۱۱۸ تا ۱۴۲.

کاظمی، مریم، (۱۳۸۹)، «نجف در عصر شاه عباس اول»، نامه تاریخ پژوهان، س ۶، ش ۲۱، ص ۲۱ تا ۳۲.

لیتواک، میر، (۱۳۸۴)، «بررسی جمعیت شناختی علمای نجف و کربلا در خلال سال‌های ۱۲۰۵-۱۲۳۲ ه.ق»، فصلنامه شیعه‌شناسی، ترجمه نصرالله صالحی، س ۳، ش ۱۰، ص ۱۳۷ تا ۱۸۵.

د. کتاب‌های لاتین و استانبولی

- Burrell, R. M, (1988), *The 1904 Epidemic Of Cholera In Persia: Some Aspects Of Qajar Society*, Bulletin of the School of Oriental and African Studies.
- Catinsaya, Gohkan, (2006), *Ottoman Administration Of Iraq 1890- 1908*, New York, Routledge.
- Floor, Willem, Patrick Clawson, (2000), *Safavid Irans Search For Silver And Gold*, International Journal Of Middle East Studies 32.
- Kılıç, Remzi, (2003), *Osmanlılar İle Safeviler Arasında Nasuh Paşa (1612) Ve Serav (1618) Antlaşmaları*, Niğde Üniversitesi Eğitim Fakültesi Eğitim Ve Bilim Dergisi, S. 2, Niğde.
- Pamuk, Sevket, (1999), *Osmanlı İmparatorlugunda Paranın Tarihi*, Istanbul, Tarih Vakfı Yurt Yayinlari.
- Sahillioğlu, Halil, Darphane, Dia, S.8, (1993), *Istanbul, Buyuksehir Belediyesi Kultur*, A.S. Yayinlar.
- Sureyya, Faruki, (1995), *Hacilar Ve Sultanlar, Tarih Vakfi Yayinlari*, Istanbul.
- Umit, Koc, (2009), *17 yy Dan Gunumuze Degisen Gumus Arzu Ve Yansimalari Uzerine Degerlendirme*, Firat Universitesi Fen-Edebiyat Fakultesi Dergisi.
- Yitzhak, Nakhsh, (2003), *The Shiism Of Iraq*, Princeton, N.J. Princeton University Press

. تاورنیه، ژان باتیست، (۱۳۶۶)، سفرنامه، ترجمه ابوتراب نوری، چ ۲، اصفهان: تأیید.

. دلاواله، پیتر، (۱۳۴۸)، سفرنامه، ترجمه شعاع‌الدین شفا، ج ۱، تهران: کتاب.

. سانسون، (۱۳۷۴)، سفرنامه، ترجمه تقی تفضلی، تهران: ابن‌سینا.

. شاردن، ژان، (۱۳۴۵)، سفرنامه، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.

. شرلی، آنتونی، (۱۳۶۲)، سفرنامه برادران شرلی، ترجمه آوانس، تهران: نگاه.

. فخرالملک، ابوالحسن خان، (۱۳۷۲)، سفرنامه، تصحیح محمدرضا عباسی، تهران: سازمان ملی اسناد ایران.

. کمپفر، انگلبرت، (۱۳۶۰)، سفرنامه، ترجمه کی‌کاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.

. ناصرالدین شاه، (۱۳۷۲)، شهریار جاده‌ها، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

ج. مقاله

. انصاری قمی، محمدرضا، (۱۳۷۳)، «موقوفات ایرانیان در عراق»، میراث جاویدان، س ۲، ش ۵، ص ۷۴ تا ۸۲.

. آتش، صبری، (۲۰۱۰)، «نخش کشی به عتبات؛ رقابت ایران و عثمانی در عراق سده ۱۹ میلادی»، ترجمه نازلی کامواری، ایران‌نامه، س ۲۶، ش ۱، ص ۵۱۲ تا ۵۳۲.

. درینگیل، سلیم، (۱۳۸۴)، «مبارزه با تشیع در عراق در دوران عبدالحمید دوم»، نامه تاریخ پژوهان، ترجمه نصرالله صالحی، س ۱، ش ۲، ص ۲۱ تا ۳۵.

. رحمانیان، داریوش و ثریا شهسواری، (پاییز ۱۳۹۱)، «جایگاه عتبات عالیات در مناسبات ایران و عثمانی عصر قاجار مطالعه موردی: زوار و حمل جنازه»، مطالعات تاریخ فرهنگی، س ۴، ش ۱۳، ص ۱ تا ۲۰.